

۷۲

گنجینه

گزیده بیانات
حجت الاسلام والمسلمین خضری

خطبه‌های نماز جمعه

۱۰ دی ماه ۱۴۰۰



سازمان مجله قرین



نشریه ذکر جمعه
با هدف انتشار گزیده
بیانات ائمه جمعه قزوین در
خطبه‌های نماز جمعه، هر هفته به
صورت الکترونیکی از طریق شبکه
های اجتماعی ستاد نماز جمعه
منتشر می‌گردد.
لازم به ذکر است متن بیانات ائمه
محترم جمعه، با حذف و اضافات و
ویرایش همراه است و سعی شده
است جهت مطالعه و بهره‌جویی
هرچه بهتر مخاطبین گرامی،
اهم محورها ارائه گردد.

خطبه اول

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ وَلَا يُحْصِي
نِعْمَاءَهُ الْعَادُونَ وَلَا يُؤَدِّي حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ الَّذِي
لَا يُدْرِكُهُ بَعْدُ الْهَمَمِ وَلَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفِطْنِ الَّذِي
لَيْسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مَحْدُودٌ وَلَا نَعْتُ مَوْجُودٌ وَلَا
وَقْتُ مَعْدُودٌ وَلَا أَجَلٌ مَمْدُودٌ فَطَرَ الْخَلَائِقَ بِقُدْرَتِهِ
وَنَشَرَ الرِّيَّاحَ بِرَحْمَتِهِ وَوَتَّدَ بِالصُّخُورِ مَيِّدَانَ أَرْضِهِ^۱

ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا حَبِيبِ إِلَهِ
العالمين، ابي القاسم المصطفى مُحَمَّد وَعَلِيٍّ إِلَهِ
الطَّاهِرِينَ، سَيِّمَا قَائِدِنَا أَمَامِ زَمَانِنَا، رُوحِي وَأَرْوَاحِ
العالمين لِتُرَابِ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءِ.

اوصيكم ونفسي بتقوي الله.

۱ . بخشی از خطبه ۱ نهج البلاغه: خدای را سپاس که گویندگان به عرصه ستایشش نرسند، شمارندگان از عهده شمردن نعمت‌هایش برنیایند و کوشندگان حقش را ادا نکنند. خدایی که اندیشه‌های بلند او را درک ننمایند و هوش‌های ژرف به حقیقتش دست نیابند. خدایی که اوصافش در چهارچوب حدود نکتند و به ظرف وصف در نیاید. خدایی که در مدار وقت محدود و مدت محدود قرار نگیرد. با قدرتش خلائق را آفرید، با رحمتش باها را وزیدن داد و اضطراب زمینش را با کوه‌ها مهار نمود.





تقوا؛ بالاترین مرتبه شکر عملی



خودم و شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم. ارتباط مستقیمی بین شکر خدا با تقوا و مفهوم تقوا وجود دارد. طبق روایات و احادیث و آنچه از قرآن آموخته‌ایم، شکر عملی خدا همان تقواست. یک شکر قلبی داریم که در قلبمان مُنعم و نعمت را می‌شناسیم و به آن اقرار داریم. یک شکر زبانی است که «الحمد لله» می‌گوییم. خطبه نماز جمعه را هم باید با «حمد» شروع کرد. یک شکر که بالاترین مرتبه شکر است، شکر عملی است که همان تقواست.

چرا می‌گوییم شکر عملی همان تقواست؟ چون اگر با نعمت‌های خدا، [یعنی] همان زبان، چشم و قدرتی معصیت کنیم که خدای متعال به ما عنایت کرده است، بالاترین ناشکری را مرتکب شده‌ایم. ممکن است زبانمان اقرار داشته باشد، حمد کند و حامد باشد؛ اما در عمل ناشکری کنیم. لذا فرموده‌اند بالاترین مرتبه شکر عملی اطاعت خدا، تقوای الهی و مراقبت بر واجبات و محرمات است.

هدیه به پیشگاه روح ملکوتی صدیقه طاهره، فاطمه زهرا علیها السلام صلوات جلی ختم کنید.





مکتب حاج قاسم، مکتب حکمت است

این ایام سالروز شهادت سردار دل‌ها، شهید بزرگوار، حاج قاسم سلیمانی است. خدای متعال چه چیزی به حاج قاسم سلیمانی عنایت کرد که او را متمایز کرد؟ او صرفاً فرمانده نظامی نبود؛ گرچه فرمانده بزرگی بود. او صرفاً ذاکر نبود؛ [البته] که اهل ذکر نیمه شب و نماز شب بود. او تنها مدیر نبود. پس خدای متعال چه چیزی به او عنایت کرده است؟ قرآن می‌فرماید:

﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾^۱

چیزی که خدای متعال به حاج قاسم عنایت کرد، حکمت بود. اگر بخواهیم با یک کلمه مکتب حاج قاسم را توصیف کنیم، [باید بگوییم:] مکتب حاج قاسم مکتب حکمت است.

معنای لغوی حکمت

حکمت چیست؟ بعضی از کلمات در قرآن هست که نمی‌توانیم در فارسی آن را ترجمه کنیم؛ یعنی زبان فارسی معادل این مفهوم را ندارد و باید توضیح بدهیم؛ لذا در ترجمه‌های قرآن، کلمه «حکمت» را [همان] حکمت ترجمه می‌کنند. حکمت چیست؟

۱ . حکمت را به هرکس بخواهد می‌دهد. آن‌که به او حکمت داده شود، بی‌تردید او را خیر فراوانی داده‌اند. جز صاحبان خرد،

کسی متذکر نمی‌شود (بقره: ۲۶۹).



«هرکسی از ظن خود شد یار من.» بعضی حکمت را از ظن خود ترجمه می کنند و [این کلمه] به بعضی از معانی معروف می شود. مثلاً ما حکمت را فلسفه و حکیم را آدم فیلسوف می دانیم. این هم یک معناست.

اما قرآن چه کسی «حکیم» را می داند؟ آیا حاج قاسم سلیمانی فیلسوف بود؟ حکمت چیست؟ وقتی این معنا را در لغت عرب می شکافیم و روایات را بررسی می کنیم، به چند نتیجه می رسیم:

حکمت آن شناختی است که فرد [به وسیله آن] می تواند پشت پرده ها و حجاب ها را با نور آن ببیند. اگر کسی این قدرت را پیدا کند که بین غبار و در مه سنگین، جلوی خود را ببیند، این حکمت [محسوب] می شود. اگر مه شکنی داشته باشد که در جاده تاریکی که [پراز] مه و غبار هست، چند صد متر جلوتر از خود را تشخیص دهد، این شخص حکمت دارد.

حاج قاسم سلیمانی این ویژگی را داشت. جلوتر از دیگران آینده را می دید و پیش بینی می کرد. خدا این نور را به او داده بود. حضرت آقا فرمودند: حاج قاسم شاگرد مکتب امام رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ بود. امامی که فرمود شوروی فروخواهد ریخت. امامی که فرمود آمریکا از درون متلاشی خواهد شد. امامی که به کشورهای عربی فرمود همین صدام که شما از او حمایت می کنید،





گزیده بیانات حجت الاسلام و المسلمین خضری در خطبه‌های نماز جمعه | ۱۰ دی ماه ۱۴۰۰

>



به شما حمله خواهد کرد. همین اتفاق افتاد. این همان نورافکن حکمت است که حاج قاسم سلیمانی [به وسیله آن] در تاریکی ها تکلیف خود را تشخیص می دهد و در میدان ها حاضر می شود.

شکرگزاری

از ثمرات حکمت در شخصیت سردار سلیمانی

قرآن در مورد حکمت گفته است:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ ۚ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾

ما به لقمان حکمت دادیم. ثمره و نشانه این حکمت این بود که [لقمان] شاکر شد. یکی از ویژگی های حاج قاسم سلیمانی شکرگزار بودن است. حاج قاسم در اول وصیت نامه اش شکر می کند:

خداوندا! تو را سپاس که ... در زمانی اجازه ظهور و وجود دادی که امکان درک یکی از برجسته ترین اولیایت را که قرین و قریب معصومین است، عبد صالحت، خمینی کبیر را درک کنم و سرباز رکاب او باشم....

۱ . به راستی ما به لقمان حکمت عطا کردیم [و فرمودیم] که نسبت به خدا سپاسگزار و شاکر باش. هرکه سپاس گزارد، تنها به سود خود سپاس می گزارد و هرکه ناسپاسی کند، [به خدا زیان نمی زند؛ زیرا] خدا بی نیاز و ستوده است (لقمان: ۱۲).





خداوندا! تو را شکرگزارم که پس از عبد صالحت، خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری که مظلومیتش اعظم است بر صالحیتش، مردی که حکیم امروز اسلام و تشیع و ایران و جهان سیاسی اسلام است، خامنه ای عزیز - که جانم فدای جان او باد - قرار دادی.... خداوندا تو را سپاس که مرا از پدر و مادر فقیر، اما متدین و عاشق اهل بیت و پیوسته در مسیر پاکی بهره مند نمودی.

ایستادگی و مقاومت؛ از ویژگی‌های شخصیتی سردار سلیمانی

در خاطرات حاج قاسم سلیمانی [آمده] است که ما آرد و نان گندم نداشتیم. مادرمان ارزن را می کوبید و آرد می کرد و ما آن را می خوردیم.

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره خودشان می فرمایند: درختی که در بیابان ها می روید، استقامت و آتش [حاصل از سوختن] آن بیشتر از درختی است که کنار آب است. زندگی در شرایط سختی است که حاج قاسم را حاج قاسم می کند و او را یک انسان متدین و مقاوم تربیت می کند؛ [چنان] که در سختی ها لحظه ای نمی نشیند. یکی از ویژگی های مکتب حاج قاسم سلیمانی پیگیری

مداوم کارهاست.

قرآن می فرماید ما به لقمان حکمت دادیم که شاکر شود. در معنای لغوی حکمت، واژه ای به نام «حَکَمَ» وجود دارد. عرب به لجام اسب می گوید: «حَکَمَ». این یعنی اگر کسی می خواهد حکمت به دست بیاورد، باید به نفس خود لجام بزند. این ریشه است. در روایت هم داریم که امام صادق علیه السلام فرمودند: حکمت یعنی اطاعت فرمان خدا. کسی که قدرت این را دارد که هیجانان و غضب خود را کنترل کند، [دارای] حکمت است.

حضور سردار سلیمانی در جنگ سی و سه روزه لبنان

در جنگ سی و سه روزه همه دنیا، حتی چین و روسیه، حزب الله را محکوم کردند و گفتند شما دو اسیر گرفته‌اید و جنگ طلب هستید. بعدها حضرت آقا مُتَلَّ فرمود اینکه شما دو اسرائیلی را اسیر گرفتید، از الطاف خفیه خدا بود. چون اسرائیل می خواست آخر تابستان با اصل غافل گیری به لبنان حمله کند؛ اما این اسیرگرفتن شما باعث شد در مرداد ماه اسرائیل را غافل گیر کنید.

سید حسن نصرالله می گوید: روز اول جنگ، در آن





شرایط جنگ روانی، حاج قاسم سلیمانی با من تماس گرفت و گفت: سید، ماشین بفرست. من در دمشق هستم. [می‌خواهم به] لبنان بیایم. گفتم: حاجی، تو باید الان تهران باشی و در تهران صحنه را مدیریت کنی. تو فرمانده سپاه قدس هستی. اینجا برای تو خطر جانی دارد. گفتم: اگر ماشین نمی‌گیری، خودم به لبنان می‌آیم. کنار فرماندهان حزب الله آمد و [برای] طراحی عملیات جلسه گذاشتیم. محدوده سنی فرماندهان حزب الله جوان بود. حاج قاسم، ژنرال پخته جنگ دیده، در جمع فرماندهان جوان حزب الله نظری داد و گفت ما باید این طور بجنگیم، فرماندهان حزب الله گفتند: حاجی، احترام تو واجب است؛ اما نظرت را قبول نداریم. حاج قاسم سلیمانی قهر نکرد. جا داشت حاج قاسم سلیمانی به تهران برگردد؛ اما این کار را نکرد. گفتم: من وظیفه شرعی دارم به شما کمک کنم. چیزی که تشخیص می‌دهید درست است، به همان عمل کنید. حاج قاسم در خدمت شماست. این مرد بزرگ یک ژنرال است. چند جوان فرمانده جلوی او می‌ایستند و می‌گویند: حاجی، ما نظر تو را قبول نداریم. حاج قاسم می‌گوید: من فرمانده شما نیستم و نمی‌توانم دستور بدهم. شما [نیروهای] حزب الله لبنان هستید؛ اما وظیفه شرعی دارم به شما کمک کنم.

اخلاص از ویژگی‌های شخصیتی سردار سلیمانی

مکتب سلیمانی یعنی کنترل هوای نفس و هیجانات. بعضاً چقدر از عرصه‌های خدمت برای مردم مسدود می‌شوند؛ چون [مسئول آن] قهر کرده است. کارها را تعطیل و کار مردم را قفل کرده؛ چون مطابق نظر او نبوده است. می‌گوید: حالا که این طور است، ما هم کار را قفل می‌کنیم. فرق بعضی‌ها با حاج قاسم سلیمانی این است.

چه می‌شود که حاج قاسم سلیمانی به این حکمت می‌رسد؟ یکی از [عوامل] آن اطاعت است. این حکمت و شناخت دقیق را از کجا گرفته است؟ حضرت [رسول] فرمود: «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَ لَهُ يَنْبِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.»^۱ هرکس چهل روز اخلاص داشته باشد، خدا چشمه‌های حکمت را از قلب او به زبانش جاری می‌کند. حاج قاسم سلیمانی نه چهل روز، که چهل سال اخلاص داشت. خدا به اندازه چهل سال به او اخلاص، خیر و حکمت داد. از روزی که در حصر آبادان، با شلوار کردی و کِلاش به دست، اولین بار در منطقه حضور پیدا کرد، تا وقتی که درجه روی دوش اوست و فرمانده بزرگی است،

۱ . محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ج ۱، نجف: المطبعة الحیدریة، بی‌تا، ص ۹۴؛ ترجمه: هرکس چهل روز خود را برای خدا

خالص کند، چشمه‌های حکمت از قلب وی بر زبانش جاری می‌شود.





در تمام این سال‌ها برای خدا کار کرد و برای خدا دوید. در وصیت نامه اش می‌گوید: «این پاها را در سنگرهای طولانی، خمیده جمع کردم.» خدا به او حکمت، شناخت و فهم عمیق عنایت کرد.

«خیر کثیر» پاداش خداوند به سردار سلیمانی

قرآن می‌فرماید:

﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾^۱

ما خیر کثیر می‌دهیم. خیر کثیر این شد. حاج قاسم برای دنیا و مقام ندوید و برای خودش هیچ کاری نکرد و هیچ قدمی برنداشت. خدا مردم را عاشق حاج قاسم کرد. رئیس [سازمان] زندان‌ها می‌گفت: ما دو [زندانی] اعدامی قطعی داشتیم. وقتی صبح آن‌ها را اعدام کردیم، به سلول آن‌ها رفتیم و دیدیم عکس حاج قاسم سلیمانی را زده‌اند. اعدامی قطعی است؛ اما عاشق حاج قاسم سلیمانی است. او با دل‌ها چه کار کرد؟ «مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَ اللَّهُ لَهُ وَمَنْ أُصْلِحَ أَمْرَ دِينِهِ أُصْلِحَ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ وَمَنْ أُصْلِحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ

۱ . حکمت را به هرکس بخواهد می‌دهد. آن‌که به او حکمت داده شود، بی‌تردید او را خیر فراوانی داده‌اند. جز صاحبان خرد،

کسی متذکر نمی‌شود (بقره: ۲۶۹).



أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ. ^۱ هرکس برای خدا باشد، خدا برای او می شود. خدا به او خیر کثیر داد. این خیر کثیر قطره ای از دریای کوثر صدیقه طاهره، فاطمه زهرا عليها السلام است:

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ. ^۲

ایام فاطمیه است. به بی بی دو عالم عرض می کنیم: خانم، شما شبی غریبانه دفن شدید. فقط سلمان، ابوذر، مقداد، اسماء و فضه بودند. در کرمان به مردم کرمان گفتند: تشییع حاج قاسم یک روز به تأخیر افتاده است؛ چون در تهران و قم ۲۵ میلیون نفر در تشییع پیکر سردار شرکت کردند. آخرین شهر کرمان بود. گفتند به خانه هایتان بروید و فردا بیایید؛ [اما] هیچ کس نرفت. مردم کرمان همه در خیابان‌ها منتظر حاج قاسم نشستند. اما آن شب ابوذر به مردم مدینه گفت: به خانه هایتان بروید. همه رفتند. باور کنید اگر کسی می ماند، امیرالمؤمنین عليه السلام او را راه می داد. هیچ کس نمانده بود. جان‌ها بسوزد برای مظلومیت امیرالمؤمنین عليه السلام که نیمه شب پیکر مطهر فاطمه زهرا عليها السلام را غریبانه دفن کرد.

حاج قاسم، جای شما خالی است؛ جای فاطمیه

۱ . محمدباقر بن محدثی مجلسی، بحار الأنوار، به تصحیح علی‌اکبر غفاری و دیگران، ج ۷۹، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۴۰۳ق، ص ۱۹۷؛ ترجمه: هرکس که از برای خدا باشد، خداوند برای اوست؛ هرکس امر دینش را اصلاح نماید، خداوند امر دنیایش را اصلاح می‌کند و هرکس آنچه میان او و خداست اصلاح نماید، خداوند آنچه بین او و مردم است اصلاح می‌کند.

۲ . بی‌تردید ما به تو خیر فراوان [که برکت در نسل است و از فاطمه عليها السلام ریشه می‌گیرد] عطا کردیم (کوثر: ۱).





گرفتن و روضه گرفتن شما [خالی است]. خود ایشان
هیئت را جارو می کرد و کف حیاط را می شست.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾
اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾.



گزیده بیانات حجت الاسلام و المسلمین خضری در خطبه‌های نماز جمعه | ۱۰ دی ماه ۱۴۰۰



خطبه دوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا حَبِيبِ إِلِهِ الْعَالَمِينَ، أَبِي الْقَاسِمِ
الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى اميرالمؤمنين وَعَلَى
فاطمة الزهراء سيِّدة نساء العالمين وَعَلَى الحسن
والحسين سيِّدي شباب اهل الجنة وَعَلَى علي
بن الحسين وَعَلَى مُحَمَّد بن علي وَعَلَى جعفر بن
محمَّد وَعَلَى موسى بن جعفر وَعَلَى علي بن موسى
وَعَلَى مُحَمَّد بن علي وَعَلَى علي بن مُحَمَّد وَعَلَى
الحسن بن علي وَعَلَى الحجة القائم المهدي
صلوات الله وسلامه عليهم أَجْمَعِينَ.

اوصيكم عبادالله ونفسي بتقوي الله.

قوة مجريه، در دوره تغيير ريل حرکتی

بار ديگر خودم و شما را به تقواي الهی سفارش
می کنم. ما امروز در شرایط تغيير ريل قوه مجريه
هستيم. بين تغيير ريل و تغيير باند تفاوت آشکاري





وجود دارد. تغییر باند یعنی ادامه همان مسیر؛ [اما] تغییر ریل یعنی از آن ریل خارج می‌شوید و وارد ریل جدیدی می‌شوید. ممکن است دولتی بیاید و فقط تغییر باند بدهد. یعنی بان‌دی برود و باند جدیدی بیاید؛ اما الحمدلله با این دولت انقلابی که انتخاب شد، به ویژه رئیس‌جمهور محترم که فردی انقلابی و مردمی [است]، امروز اراده دولت تغییر ریل است. باید خوب به این [موضوع] دقت کنیم. چون الان با مشکلاتی مواجه هستیم، نقدهایی هست و اشکالاتی به وجود می‌آید؛ اما باید نگاه کلان داشته باشیم [و بدانیم] که ریل تغییر پیدا می‌کند. نباید جزئی ببینیم که اینجا این اتفاق افتاد یا این آقای مسئول این تصمیم اشتباه را گرفت.

تغییر ریل یعنی:

- جابه‌جایی از ریل ذلت به ریل عزت و کرامت. متأسفانه برخی از رویکردها این چهره را مخدوش کرد؛ اما امروز تغییر ریل می‌دهیم. یعنی **سیاست عزتمندانه** است.
- جابه‌جایی از ریل ویژه خواری به ریل نگاه ویژه به محرومین. سفرهای استانی، رویکرد دولت، تصمیماتی که گرفته می‌شود و اراده‌ای که وجود دارد، عمدتاً به جای ویژه خواری، **نگاه ویژه به محرومین** است.



- جابه جایی از ریل خودباختگی به ریل خودباوری.
- یعنی از ریلی که می گفت ما فقط می توانیم قرمه سبزی درست کنیم، روی ریل **خودباوری** می رویم.
- جابه جایی از ریل تکیه بر نامردان بین المللی و کد خدا، به ریل **تکیه بر خدا** و مردان وطنی.

طبیعتاً این ریل گذاری به زمان، صبر و توأسی بین مؤمنین نیاز دارد. ما باید توأسی به صبر داشته باشیم.

طراحی دشمن در حوزه جنگ شناختی

امروز در جنگ شناختی دشمن یک طراحی شده است که متأسفانه ممکن است خودی ها هم در این طراحی دشمن بازی کنند. این طراحی دو مقدمه دارد. یک مقدمه آن را حزب اللهی ها می گویند و مقدمه دوم را دشمن در جنگ شناختی خودش طراحی کرده است. [این طراحی] یک نتیجه دارد.

مقدمه اول [این است] که ما [خودی ها] می گوئیم: «این آخرین فرصت جمهوری اسلامی است. دیگر کار تمام است.» این را زیاد می شنویم. مقدمه دوم را دشمن درست می کند و می گوید: دیدید نشد!

هرچقدر هم دولت تلاش کند، [دشمن] می تواند با جنگ روایت ها حقایق را تغییر بدهد. [البته] درست است که اشکالاتی وجود دارد؛ [اما طراحی دشمن]



در مدت کوتاهی مردم را به یک نتیجه می‌رساند: ما حزب اللهی‌ها گفتیم این آخرین فرصت دشمن است و دشمن هم گفت نشد؛ پس جمهوری اسلامی تمام است. این یک طراحی در جنگ شناختی است که مقدمه اغتشاش است. امروز ما به توأسی به صبر نیاز داریم. کسانی که هشت سال ظرفیت‌های عظیم این ملت را معطل کردند، بعد از چند ماه طلبکار شده‌اند. امروز دولت به حمایت، همکاری و حضور مردم نیاز دارد.

اقدامات اساسی دولت در حوزه مدیریت

دولت الان دو جراحی انجام می‌دهد. به طبیب حاذق اعتماد کردیم که اقتصاد و مدیریت ما جراحی شود. یکی جراحی مدیریتی است. جراحی مدیریتی یعنی کسانی که بانیان وضع موجود بودند، نه تنها باید برکنار شوند، بلکه باید محاکمه شوند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «إِنَّ شَرَّ وُزَرَائِكَ مَنْ كَانَ لِلْأَشْرَارِ قَبْلَكَ وَزِيْرًا، وَمَنْ شَرَكَهُمْ فِي الْأَثَامِ فَلَا يَكُونَنَّ لَكَ بَطَانَةً، فَإِنَّهُمْ أَغْوَانُ الْأَثَمَةِ، وَإِخْوَانُ الظَّالِمَةِ.»^۱ وزیر یعنی [کسی که] می‌خواهد بار تو را تحمل کند و می‌گوید به من

۱. ترجمه: بدترین وزیر تو کسی است که پیش از تو وزیر اشرار بوده و در گناهانشان شرکت داشته است. چنین کسی نباید از

محرمان تو باشد؛ زیرا اینان یاران اهل گناه و برادران اهل ستم‌اند.



هم بار مدیریت بده. شرتین آدم هایی که در مصر دوروبر تو می آیند و می خواهند تو را کمک کنند، کسانی هستند که قبل از تو با اشرار هم دست بودند و وزیر آن ها بودند. البته این به این معنا نیست که بگویم کل مدیران دولت قبل انسان های ناشایستی هستند. انسان های صالحی هم داشتیم. بحث ما در مورد بانیان و شریکان جرم است. به این [موضوع] دقت کنید. در مورد مدیران صالح بی انصافی نکنیم. ما در دولت مدیران صالح، متقی و انقلابی داشتیم. بحث ما کسانی است که در گناه و وزر، کمک و یاری کردند. امروز چهره دولت انقلابی است. امیرالمؤمنین علیه السلام باز هم در نهج البلاغه فرموده اند:

أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَأَحْذِرْكُمْ أَهْلَ
النِّفَاقِ، فَإِنَّهُمْ الضَّالُّونَ الْمُضِلُّونَ وَالزَّالُونَ الْمُزَلُّونَ،
يَتَلَوْنُونَ الْوَأَنَاءَ وَيَفْتِنُونَ أَفْتِنَانًا، وَيَعْمِدُونَكُمْ بِكُلِّ
عِمَادٍ وَيَرْضُدُونَكُمْ بِكُلِّ مِرْصَادٍ. قَلُوبُهُمْ دَوِيَّةٌ
وَصِفَاحُهُمْ نَقِيَّةٌ، يَمْشُونَ الْخَفَاءَ وَيَدْبُونَ الضَّرَاءَ.^۱

رنگ عوض می کنند، با چهره جدید می آید، پنهانی گام برمی دارند و مثل نفوذ بیماری در بدن، در بدنه حاکمیت نفوذ می کنند. مصداق آن کروناست.

۱. از خطبه ۱۹۴ نهج البلاغه؛ ترجمه: بندگان خدا، شما را به تقوای الهی سفارش می کنم و از اهل نفاق می ترسانم؛ چراکه آنان گمراه و گمراه کننده و دچار لغزش و لغزاننده اند. رنگ به رنگ می شوند و به حالات گوناگون ظاهر می گردند. به هر وسیله کوبنده ای برای گمراه کردن شما متوسل می شوند و در هر کمینگاهی کمین می گیرند. قلوبشان فاسد و ظاهرشان پاک می نماید. برای فریب مردم به دور از دیده حرکت می کنند و چون روباه در میان جنگل انبوه از درخت می جهند.

داستان «موش و گربه» را عبید زاکانی، شاعر قزوینی شنیده اید:

مژدگانی که گربه تائب شد زاهد و عابد و مسلمانا

بود در مسجد آن ستوده خصال در نماز و نیاز و افغانا

گربه ای بود که موش ها را می خورد. بعد توبه کرد. موش ها هم باور کردند که توبه کرده است و گفتند آدم خوبی شده است. بعد [گربه] همه موش ها را گرفت. ما با جراحی مدیریتی مواجه هستیم. مراقب باشیم که به این افراد رنگارنگ فرصت ندهیم.

اقدامات اساسی دولت در حوزه اقتصاد

نکته بعدی اینکه ما با جراحی در نظام توزیع خدمات و نظام توزیع یارانه مواجه هستیم. دولت باید جراحی اقتصادی بکند. جراحی اقتصادی طبیعتاً تبعاتش هم دارد. طبق آماري که می دهند، امروز ۶۳ میلیارد دلار یارانه پنهان در جیب مرفهین می رود. این باید جراحی شود و به دست همه مردم برسد. عدالت اقتضا می کند که دولت جراحی [اقتصادی] کند.

ما اینجا بحث کارشناسی نمی کنیم. بنده در حوزه اقتصادی در مقام کارشناسی نیستم؛ اما می دانیم و اعتماد داریم که این دولت حرف کارشناسان را می شنود. ما اینجا در تزاومی هستیم که امیدواریم





ان شاء الله دولت و رئیس جمهور انقلابی محترم بتوانند با موفقیت و همراهی ملت بزرگ ایران، این جراحی را انجام بدهند و نظام دلالی را برگنند.

کار دشواری است و طبیعتاً گرد و خاک آن به چشم فقرا خواهد رفت. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ((اللَّهُ اللَّهُ فِي الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ فَشَارِكُوهُمْ فِي مَعَايِشِكُمْ.))^۱ شما را به [توجه به] فقرا سفارش می‌کنم. از دولت محترم خواهش می‌کنیم مراقب فشارها به قشر فقیر باشد. چون دولت قبل بعضاً اقتصاد را جراحی نکرده است؛ [بلکه] مثله کرده است. فرق است بین جراحی کردن با مثله کردن. او درد داشته است؛ لذا تحمل مردم و قشر ضعیف کم شده است. باید مراقبت کرد. گفته‌اند نظرات کارشناسی را می‌شنویم. امیدواریم تصمیم حکمت آمیز و عاقلانه‌ای در این حوزه گرفته شود. قطعاً همراهی و اعتماد مردم را نیاز دارد.

برپایی شعائر دینی، جریانی مردمی است

ایام فاطمیه و ایام شهادت حاج قاسم است. چند نکته را عرض کنم: حضرت آقا می‌فرماید: برای ایجاد محیط اسلامی و محیط تربیتی که انسان‌ها را تربیت کند، باید حکومت اسلامی شکل بگیرد.

۱ . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، به تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۷، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۳ق، ص ۴۹؛ ترجمه: خدا را، خدا را، به حق فقیران و مستمندان [دقت کنید]. آن‌ها را در مال خود شریک کنید.



یکی از شئون حکومت اسلامی این است که مردم در عرصه این شعائر، خودشان چهره شهرها را به نام صدیقه طاهره و اولاد صدیقه طاهره علیهم‌السلام آذین بندی کنند. اصلاً جریان شعائر جریان مردمی است. صدها مسجد داریم. در ایام فاطمیه و عاشورا، وقتی از جلوی بعضی مسجدها عبور می‌کنیم، می‌بینیم که متأسفانه حتی یک پرچم زده نشده است. اگر این صدها مسجد پرچم سیاه بخورند، کل شهر آذین بندی می‌شود، چرا توقع داریم صرفاً دستگاه‌های دولتی و شهرداری در این عرصه‌ها ورود کنند؟ خود مساجد، حسینیه‌ها و کاسب‌ها ورود کنند. هرکس جلوی مغازه خود یک پرچم بزند. این [کار] محیط تربیتی درست می‌کند. این نماد ماست. فاطمه علیها‌السلام پرچم ماست. حاج قاسم سلیمانی یک نماد است. حضرت آقا ظله‌الله‌عنه فرمودند: جریان حاج قاسم را به عنوان یک حادثه نبینید. شهادت حاج قاسم یک نقطه تاریخی است. صد یا دویست سال دیگر، شاید انقلاب اسلامی را شناسند؛ اما با حاج قاسم می‌شناسند.

علامه مصباح و سردار سلیمانی نماد نصرت ولی فقیه

نکته دیگر اینکه سالروز رحلت علامه بزرگوار مصباح است. همه این ایام به همدیگر نزدیک هستند.



نکته‌ای عرض کنم: شاید ما دچار خطایی شویم که علامه مصباح را فقط به عنوان فقیه، فیلسوف و عالم فقط و حاج قاسم را هم فقط به عنوان قهرمان ملی بشناسیم. این انحراف است. هم علامه مصباح و هم حاج قاسم سلیمانی نماد نصرت امام و ولی بودند. مراقب باشیم این‌ها را از ولی جدا نکنیم. این‌ها تمام زندگی‌شان را پای ولایت و نایب امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ هزینه کردند. حاج قاسم سلیمانی در تمام بندهای وصیت نامه‌اش، [خطاب] به برادران، مجاهدین، خانواده‌شهدا، سیاسیون، علما و مسئولین گفته است که: شما را به نایب امام زمان سفارش می‌کنم. بندی پیدا نمی‌کنید که ایشان این صحبت را نکرده باشد. لذا حاج قاسم سلیمانی را در چهارچوب نصرت ولی تعریف کنیم. او قهرمان نصرت ولی است، نه صرفاً یک قهرمان ملی. علامه مصباح عالمی در چهارچوب نصرت امام است که تیرها را خورد، فحش‌ها را شنید و خباثت‌ها را دید؛ اما از ولی دفاع کرد.

دعای پایانی

خدایا! به ما توفیق خدمت به نایب امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ و سربازی ایشان را عنایت بفرما؛

خدایا! به ما توفیق شهادت در رکاب مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ عنایت بفرما؛

خدایا بر عزت رهبر انقلاب مُدَّ ظِلُّهُ بیفزای و دشمنان اسلام را نابود بگردان.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾

اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾

صدق الله العلی العظیم

